

متن پرسش

جناب استاد سلام: چرا شخصی مثل جورج بارکلی که کشیش بوده در فلسفه دچار انحراف شده و در باتلاق ایده آلیست دچار شده که به عقیده بنده اصلاً لزومی به این طرز تفکر هم نبوده چون هم می‌توانسته پیشرفت علوم را ببیند و هم زمان تبلیغ دین کند، در آن زمان مگر چگونه بوده که قبول پیشرفت علوم مادی را هم ردیف با بی‌دینی می‌دید که برای تخریب آن علوم و پیشرفت آنها لاجرم خود را به باتلاق ایده آلیست گرفتار کرده تا آن علوم را بی‌ارزش جلوه دهد؟ آیا در آن زمان کسی نبوده تا در مقام رد نظرات و تفکر او بر آید؟ آیا در رد نظریه و تفکر او کتاب یا جزوه و یا متنی هست؟ البته نوشته‌ی شما را خواندم و حتی سوالی که از او کرده بودید، اما بنده دنبال یک رد و نقد مفصل می‌باشم. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بر روی سخن بارکلی باید تأمل کرد. حرف ساده‌ای نیست از آن جهت که متوجه شده است آنچه از اشیاء خارج در ذهن ما است نمی‌تواند معلول پدیده‌های خارج از ذهن باشد زیرا معلول، باید از علتی برتر به وجود آید. در حالی که معلومات ذهنی ما از جنس علم‌اند و پدیده‌های خارجی از جنس ماده. جناب صدرالمتألهین این مشکل را این‌طور حل کرده است که معلول خارجی معداتی هستند که نفس ناطقه‌ی انسان آماده شود و صورتی متناسب با شیئی خارجی را با ارتباطی که با «واهب الصور» پیدا می‌کند در خود ابداع نماید. موفق باشید